



ارگان مرکزی

حزب کمونیست افغانستان

برای انقلاب کردن به یک حزب انقلابی احتیاج است. بدون یک حزب انقلابی، بدون حزب انقلابی ای که بر اساس تئوری انقلابی مارکسیزم-لنینیسم-مائویسم و به سبک انقلابی مارکسیستی-لنینیستی-کارگر و توده های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیسم و سگهای زنجیری اش رهبری کرد. (مائوتسه دون)

شماره بیست و نهم دوره دوم ماه سرطان سال 1382 جولای 2003

مسئولیت انقلابیون مائویست

اینک مدت بیشتر از یک و نیم سال از زمان اشغال افغانستان توسط امپریالیست های آمریکایی و شرکاء و روی کار آمدن رژیم دست نشانده حامد کرزی در کابل می گذرد نتایج این استعمارگرانه و بکار گماری رژیم دست نشانده، در تمام ابعاد و به روشنی در عمل خود را نشان داده است. تهاجم امپریالیست های آمریکایی و شرکاء در افغانستان و اشغال این کشور توسط آنها یکبار دیگر افغانستان را به مستعمره امپریالیست های اشغالگر مبدل نموده است. مقدرات افغانستان مستعمره، مستقیماً توسط امپریالیست های اشغالگر تعیین می گردد و این کشور حتی فاقد استقلال و آزادی ظاهری و صوری است. با گذشت بیشتر از یک و نیم سال از عمر رژیم دست نشانده، سریعاً و بصورت بسیار روشن در عمل ثابت گردیده است که این رژیم، کاملاً پوشالی و آلت دست امپریالیست های اشغالگر آمریکا و شرکاء است و از خود هیچگونه اراده ای ندارد سرنوشت کشور در دست چند جنرال اشغالگر آمریکایی و اروپایی و بویژه در دست زلمی خلیل زاد نماینده خاص بوش قرار دارد. این افغانستانی نسب آمریکایی شده، سالها است که دیگر به یک مهره مهم مردم و دستگاه امپریالیسم آمریکا مبدل گردیده است. او نه تنها نماینده خاص بوش در امور افغانستان است، بلکه چنین خدمت گذاری ای را در عراق اشغال شده توسط امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی نیز بر عهده دارد زلمی خلیل زاد هم اکنون نقشی را در افغانستان تحت اشغال بر عهده دارد که در زمان سلطه استعماری انگلیس ها در افغانستان، لارڈ برنس و مکناتن بر عهده داشت. او همان گونه اراده امور افغانستان را در دست دارد که در زمان سلطه اشغالگران سوسیال امپریالیست های شوروی بر کشور، سفیر شوروی در دست داشت. این زلمی خلیل زاد است که نه تنها در امور سرتاسری مربوط به رژیم دست نشانده مثل لویه جرگه و یا قانون اساسی، بلکه در مسایل خرد و کوچکی مثل برخورد های محلی ذات الیبنی جنگ سالاران جهادی و غیر جهادی نیز به نمایندگی از بوش تصمیم نهایی را می گیرد و رک و راست و صریح و روشن به دست نشانندگان حقیر اعلان می نماید در این میان کل رژیم دست نشانده، بویژه شخص باصطلاح رئیس دولت مؤقت اسلامی افغانستان غیر از آلت دست مورد استعمال امپریالیست های اشغالگر، حیثیت دیگری ندارد.

نقش " سازمان ملل متحد " نیز خدمت گذاری به اشغالگران امپریالیست آمریکایی و شرکاء است. سازمان ملل متحد بمثابة پرده ساتری در خدمت به پوشاندن تجاوز و اشغالگری عریان نظامی

امپریالیستی مورد استفاده قرار گرفته و می گیرد . اما این پرده داری رسوا ، با گذشت زمان ، بیشتر از پیش و بطور روز افزون رسوا و مفتضح گردیده است . توده های افغانستانی تفاوتی میان باصطلاح نیروهای امنیتی " سازمان ملل متحد " و قوت های جنگ امپریالیست ها به سردمداری امپریالیست های آمریکایی نمی بینند و تمامی آنها را آمریکایی می گویند .

امپریالیست های آمریکایی و شرکاء تحت بهانه مبارزه علیه دهشت افگنی به تجاوز و اشغالگری علیه افغانستان دست زدند اینکه آنها خود بزرگترین دهشت افگنان در جهان هستند ، یکبار دیگر عملاً در افغانستان به اثبات رسیده است . آنها ظاهراً مزدوران دست نشانده خود شان یعنی طالبان و القاعده را مورد حمله قرار دادند و سرنگون کردند . ولی در این جریان عملاً به قتل هزاران نفر از اهالی ملکی افغانستان دست یازیدند . این قتل و کشتار هنوز هم ادامه دارد و اگر جلوش گرفته نشود در آینده نیز ادامه خواهد یافت . آنها بی مهابا سیاست ایجاد دهشت ورعب در میان مردمان افغانستان را پیش می برند تا روحیه مخالفت و مقاومت علیه تجاوز و اشغالگری در آنها تضعیف گردیده و از میان برود و کاملاً به انقیاد تن در دهد .

دروغین بودن و ادعای سرخرمن داده شده آنها نیز در جریان عمل کاملاً ثابت گردیده است . آنها وعده دموکراسی داده اند اما بجای طالبان برادران تنی تئوکرات جهادی شان را روی کار آوردند که در جنایت کاری علیه توده ها و دشمنی با حقوق دموکراتیک آنها ، هیچ کم و کسری نسبت به طالبان ندارند . مقدم براین ، با توسل به ضد دموکراتیک ترین شیوه یعنی تجاوز به یک کشور و اشغال آن ، اساساً نمی توان بسوی تامین دموکراسی پیش رفت . آنها از آزادی زنان افغانستان دم زدند ، اما زن ستیزان کماکان در قدرت هستند و سرکوب زنان که بربرقع پوشی آنان ، نمایش نمادین آن است ، بی پرده و آشکار ادامه یافته است . آنها بیهوده زندگی مردمان افغانستان را وعده دادند ، اما فقر و فلاکت سرتاسری به بیدادگری ادامه می دهد . فزونی گدایان مردوزن آواره درکناره های خیابان های شهر کابل ، نشانه گویای از این حالت است . آنها اشتغال برای نیروهای کارسرگردان را وعده دادند ، اما این سرگردانی کماکان ادامه دارد و روزنه های فرار به خارج از کشور باز و فعال است آنها وعده تامین امنیت دادند ، اما امنیت نه تنها برای توده ها ، بلکه حتی برای مهره های اصلی حاکمیت دست نشانده نیز تامین شده نتوانسته است . در واقع قوت های اشغالگر امپریالیستی و جنگ سالاران دست نشانده خود عاملین اصلی بی امنیتی و دوام آن در کشور محسوب می گردند آنها از بازسازی همه جانبه افغانستان دم زدند اما چنین بازسازی این درسایر عرصه ها که هیچ ، حتی در عرصه بازسازی دولت ارتجاعی یعنی سروسامان بخشیدن به رژیم دست نشانده نیز کمتر به چشم می خورد .

اینچنین است که توهمات نسبت به امپریالیست های اشغالگر و دست نشانندگان شان به سرعت در حال از میان رفتن است و نارضایتی توده ها اشکال فعال تر و رزمنده تری بخود می گیرد امواج خروشان مبارزات میلیونی توده ها که در سطح بین المللی علیه امپریالیست های متجاوز و اشغالگر آمریکایی و شرکاء براه افتاده است ، درتوهم زدائی توده های افغانستانی و شگوفاشدن روز افزون مبارزات آنها ، نقش جدی و فزاینده بازی می نماید . بدینسان زمینه های عینی و ذهنی مقاومت انقلابی و مردمی درمیان توده ها بطور روز افزونی جوشنده تر می گردد . انقلابیون مائونیست باید فعالانه عوامل عینی و ذهنی مذکور را دریابند و مسئولیت سمت و سو دادن انقلابی آنها را جسورانه برعهده بگیرند .

وبسایت حزب کمونیست افغانستان در روی صفحه انترنت :

www.geocities.com/afghanistan

پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان و پیشرفت های آن

آغاز و پیشرفت پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان به منظور تامین وحدت اصولی این جنبش در یک حزب کمونیست واحد به همیاری کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، مهمترین عرصه مبارزاتی جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان در پاسخ دهی مناسب به الزامات و ضروریات مبارزاتی پرولتری و توده یی در شرایط کنونی محسوب می گردد. این پروسه که پس از آغاز تهاجم نظامی امپریالیست های آمریکایی و شرکاء بر افغانستان و تقریباً همزمان به "تجمع خائنین ملی در بن" شروع شد با پیشرفت خود و با جذب گروه ها و شخصیت های (م ل م) دیگر افغانستانی، علاوه از آغازگران اولیه آن بسوی تامین وحدت اصولی جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان در یک حزب کمونیست واحد به پیش می رود.

اساسات ایدئولوژیک - سیاسی اصولی تشکیلاتی و محوری سیاسی کنونی پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان بصورت روشن و صریح در اولین توافقنامه میان آغازگران این پروسه، بیان گردیده است.

مبنای اساسی این حرکت وحدت طلبانه، توافق روی اساسات ایدئولوژیک - سیاسی و اصولی تشکیلاتی ذیل است:

الف: اساسات ایدئولوژیک - سیاسی:

- 1 - حزب کمونیست افغانستان حزب پیشآهنگ پرولتاریا در افغانستان.
- 2 - مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم، ایدئولوژی رهنمای اندیشه و عمل حزب.
- 3 - انقلاب دموکراتیک نوین، برنامه حد اقل حزب برای گذار به برنامه حد اکثر، انقلاب سوسیالیستی برنامه حد اکثر حزب، رسیدن به جامعه جهانی بی طبقه کمونیستی دورنمای غایی و هدف نهایی حزب، از طریق ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا و برپایی انقلابات فرهنگی متعدد و گسترش و تعمیق انقلاب در سطح جهانی.
- 4 - جنگ خلق، استراتژی مبارزاتی حزب و فعالیت تدارکی برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق، محور اساسی مبارزاتی در مرحله کنونی.
- 5 - تکیه بر اصل انترناسیونالیسم پرولتری، از طریق مبارزه در صفوف جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، برای تشکیل انترناسیونال نوین کمونیستی و شرکت در مبارزات انقلابی پرولتری و مبارزات آزادیبخش ضد امپریالیستی و ضدارتجاعی در سطح جهانی.

ب: اصول تشکیلاتی:

- 1- نفی و طرد سکتاریسم و ضرورت نمثیل وحدت اندیشه، وحدت اداره و وحدت عمل پرولتاریا در افغانستان، در یک حزب کمونیست واحد.
- 2- رهبری متمرکز حزبی، متناسب با استراتژی جنگ خلق و تدارک برای برپایی و پیشبرد آن.
- 3- سانترالیسم دموکراتیک.
- 4- انتقاد و انتقاد از خود.
- 5- مبارزه دوخط.

محور سیاسی کنونی این حرکت وحدت طلبانه راضورت پیشبرد مبارزه متحدانه علیه کارزار تجاوزکارانه امپریالیست های امریکائی و شرکا انگلیسی، روسی... آنها بر افغانستان و کارزار زور گویناه امپریالیستی در سطح جهانی تشکیل میدهد.

برپایه این اساسات ایدئولوژیک- سیاسی، اصول تشکیلاتی و محور سیاسی کنونی، در اولین توافقنامه آغازگران پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان، موافقه به عمل آمد که:

دسترسی به يك برنامه ويك اساسنامه مشترك حزبي، پایه وحدت دريك حزب کمونيست واحد را تشکیل میدهد.

براي دسترسی به يك برنامه ويك اساسنامه مشترك حزبي، آغازگران و مشمولين بعدي پروسه وحدت جنبش کمونيستي (م ل م) افغانستان، مرانامه و اساسنامه فعلي حزب کمونيست افغانستان را بمثابة دوسند محوري در بحث و مبارزه براي دسترسی به برنامه و اساسنامه مشترك حزبي و يابه عبارت ديگر بمثابة اسناد اصلي مورد بحث در اين حرکت مبارزاتي، پذيرفتند. اين موضوع مورد توافق قرار گرفت که مرانامه و اساسنامه فعلي حزب کمونيست، با توجه به مجموعه پيشنهادات اصلاحي و تعديلي حزب کمونيست افغانستان و ساير مشمولين اين پروسه و پيشبرد مباحثات و سيع در سطح کمیته مشترك نمايندگان و کادرها و صفوف مشمولين اين پروسه وکل جنبش کمونيستي افغانستان و جنبش کمونيستي بين المللي، بازنويسي گردد. اين بازنويسي از طريق برخورد نقادانه به اشتباهات، کمبودات و نواقص مرانامه و اساسنامه موجود و برميناي سانتراليزم دموکراتيک، انتقاد و انتقاد از خود و مبارزه دوخط صورت ميگيرد. اين بازنويسي نقادانه در عين تکیه و ايستادگي روي مواضع درست و اصولي ايدئولوژيک - سياسي و تشکيلاتي (م ل م) متبلور در مرانامه و اساسنامه مذکور راکم و بيش اصلاح نمايد، بخش هائي را بصورت جدي تعديل کند، بخش هائي را تغيير دهد، بخش هائي را حذف نمايد و بر بخش هائي مطالب جديد مختصر و يامفصل بيفزايد.

در پيش گرفتن اين سبک کار براي دسترسی به برنامه و اساسنامه مشترك حزبي جهت تامين وحدت جنبش کمونيستي (م ل م) افغانستان دريك حزب کمونيست واحد، مبتني برديد مشترك مشمولين پروسه وحدت جنبش کمونيستي (م ل م) افغانستان در مورد حزب کمونيست، تاسيس حزب کمونيست و تامين وحدت جنبش کمونيستي (م ل م) دريك حزب کمونيست واحد است که در اولين اعلاميه مشترك مشمولين پروسه وحدت جنبش کمونيستي (م ل م) افغانستان متبلور گرديده است: تمثيل وحدت اندیشه، وحدت اراده و وحدت عمل پرولتاريادريك کشور دريك حزب کمونيست واحد، بمثابة پيشاهنگ پرولتاريا، وظيفه اساسي کمونيست هاي (م ل م) در مسير دستيابي به سلاح هاي موردنياز انقلاب محسوب ميگردد. حزب کمونيست درمیان سه سلاح معجزه آساي انقلاب نقش اساسي را برعهده دارد. با دسترسی به اين سلاح اساسي است که ميتوان به دو سلاح ديگر انقلاب يعني ارتش خلق و جبهه متحد دست يافت.

جنبش کمونيستي (م ل م) افغانستان براي دستيابي به سلاح اساسي انقلاب يعني حزب کمونيست، مسير پرفراز و نشيب و دردآوري را پيموده است. اين جنبش در زير بار انحرافات و کمبودهاي متعدد و سنگين، سال هاي سال از دستيابي به اين سلاح محروم ماند. تاسيس حزب کمونيست افغانستان، گسست کيفي مهمي از اين راستا که تشکیل حزب کمونيست افغانستان را به هدي در خود مبدل ساخته و پيش شرط هاي گوناگون غير اصولي را در پيش پاي آن قرار ميداد، محسوب ميگردد. اما اين گسست ايدئولوژيک - سياسي و تشکيلاتي، بنا بر علل و کمبودهاي معين و مشخصي که کل جنبش کمونيستي (م ل م) افغانستان، منجمله موسسين حزب کمونيست افغانستان، از آن رنج ميبردند، قادر نگريدند وحدت جنبش کمونيستي کشور دريك حزب کمونيست واحد را تامين نمايد.

کميته انسجام و وحدت جنبش کمونيستي افغانستان در ابتدا توسط کميته تبليغ و ترويج م - ل - ا - و " هسته انقلابي کمونيست هاي افغانستان تشکیل گرديد و بعدا املا - بخش مائوتسه دون اندیشه " و " سازمان پیکار براي نجات افغانستان " نیز در سال 1368 (1989) به آن پيوستند. اين کميته بمثابة کميته وحدت دهنده میان بخش هاي مختلف حرکت نوين در جنبش کمونيستي افغانستان که تحت تاثير مواضع ايدئولوژيک - سياسي و فعاليت هاي مبارزاتي جنبش انقلابي انترناسيوناليستي، از اواسط دهه شصت بوجود آمد، فعاليت هائي را انجام داد. اما اين کميته به دليل عدم تجانس ايدئولوژيک - سياسي و تشکيلاتي خود نتوانست تامامي مشمولين خود را بطرف تاسيس حزب

کمونیست افغانستان هدایت نماید. دو موضوع محوری ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی در این عدم تجانس یکی پذیرش و عدم پذیرش مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم بجای مارکسیزم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون و دیگری دیدگاه های مختلف در مورد پیش شرط های تاسیس حزب کمونیست بود. املا - بخش مائوتسه دون اندیشه و " هسته انقلابی کمونیست های افغانستان " بر مبنای پذیرش مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم بجای مارکسیزم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون به پای تشکیل " سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " رفتند این سازمان که توانست عضویت رسمی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را حاصل نماید بنا به دلایل مختلف به تنهایی و بدون شرکت دوبرخ دیگر (کمیته تبلیغ و ترویج م - ل - ا و سازمان پیکار ...) اقدام به تاسیس حزب کمونیست افغانستان نمود. این اقدام جسورانه و گسست کیفی مهم از گذشته، مورد حمایت قاطع جنبش انقلابی انترناسیونالیستی قرار گرفت و کمیته تبلیغ و ترویج م - ل - ا که تقریباً همزمان با " سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " بجای " م - ل - ا " " م - ل - م " را مورد پذیرش قرار داده بود، چند ماه بعد به حزب کمونیست افغانستان پیوست.

" سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان " نه تنها بدون شرکت دوبرخ دیگر، اقدام به تاسیس حزب کمونیست افغانستان نمود بلکه کار تهیه و تدوین " مرامنامه حزب کمونیست افغانستان " و همچنان " اساسنامه حزب کمونیست افغانستان " را بصورت درونی و صرفاً در داخل سازمان پیش برد و جروبحث عمومی حول مندرجات آنها را در سطح عمومی جنبش دامن نزد.

طی یک دهه گذشته بخش های دیگری از جنبش کمونیستی (م ل م) کشور به صورت های جداگانه به تکاملات ایدئولوژیک - سیاسی خود ادامه دادند و بر مبنای قبول مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم و تایید قاطع از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی متشکل گردیده و مبارزات شان را پیش بردند " سازمان پیکار برای نجات افغانستان " بر مبنای مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم و حمایت از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در سال 1994 کمیته مشترکی با دو بخش جدا شده از " ساما " بنام " کمیته وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان " تشکیل دادند و به مبارزات شان برای دستیابی به وحدت حزبی ادامه دادند. قبل برین گروه دیگری بنام " اتحاد انقلابی کارگران افغانستان " تشکیل گردیده بود که در ابتدا بر مبنای مارکسیزم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون استوار بود و بعد ها مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم را مورد پذیرش قرار داد. این گروه نیز از همان ابتدای تشکیل، جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را مورد حمایت قرار داد. تحت تاثیر مواضع و مبارزات جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و جنبش مائوئیستی خود افغانستان، چند سال قبل یک هسته مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی توسط منسوبین جنبش مائوئیستی افغانستان در اروپا تشکیل گردید. این هسته پس از آغاز پروسه وحدت ... به حزب کمونیست پیوست " س . پ . اصولیت ... " نیز نشراتی دارد. وحدت این مجموعه در یک حزب کمونیست واحد بر مبنای وحدت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی از طریق توافق اصولی روی یک برنامه و اساسنامه حزبی واحد، مفهوم وحدت عمومی جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) کشور را افاده می نماید. تامین این وحدت عمومی یک امر نهایت مطلوب و اصولی است. اما چنانچه بخش های معینی قادر به درک مطلوبیت و اصولیت این امر و به ویژه اضطراریت تامین آن نگردد باز هم نمی توان پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) کشور در چوکات یک حزب کمونیست واحد را متوقف ساخت. این پروسه قاطعانه به پیش می رود، زیرا که وحدت مائوئیست های کشور در یک حزب کمونیست واحد یک امر نهایت اصولی و یک ضرورت انصراف ناپذیر مبارزاتی است.

کمیته مشترک مشمولین پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان تا حال موفق گردیده است که مباحث مهمی از مسوده جدید اولیه برنامه حزبی مشترک را مدون و مرتب نموده و برای

نظرخواهی در سطح عمومی جنبش کمونیستی پخش نماید . این مباحث عبارت اند از : مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم ، رویونیسم ، اوضاع جهانی و جنبش جهانی کمونیستی ، انترناسیونالیسم پرولتری ، پیشینه تاریخی افغانستان ، سیمای کنونی افغانستان ، مناسبات تولیدی حاکم بر افغانستان و طبقات اجتماعی جامعه افغانستان .

یقیناً پیشبرد کار مشترک و وسیع مبارزاتی ای مثل پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) کشور و به فرجام رساندن آن تا حد تدویر کنگره وحدت و تامین وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) کشور در یک حزب کمونیست واحد بدون فراز و نشیب و پیچ و خم به پیش نمی رود . ولی علیرغم فراز و نشیب ها و پیچ و خم های سرراه ، کمیته مشترک مشمولین پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان مصمم است تا هر چه اصولی تر و زودتر کار ترتیب و تدوین قسمت های باقیمانده مسوده جدید اولیه برنامه مشترک حزبی و همچنان مسوده جدید اولیه اساسنامه مشترک حزب را انجام رسانده و برای نظر خواهی وسیع تر در سطح جنبش کمونیستی پخش نماید . کمیته مشترک مشمولین پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان همراه با پیشبرد هر چه اصولی تر و سریع تر وظیفه عمده اش ، همکاری های عملی مبارزاتی میان مشمولین پروسه وحدت ... را شکل داده و برای تعمیق و گسترش این همکاری ها می کوشد .

پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان ، نه تنها با پیشرفت های خود به سوی تامین وحدت اصولی جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان در یک حزب کمونیست واحد به پیش می رود بلکه در جریان آن و بخاطر پاسخدهی مناسب به امر تعیین هرچه روشن تر و اصولی تر وظایف جنبش کمونیستی درین خطه ، کنفرانس مشترک احزاب و سازمان های م ل م افغانستان و ایران نیز برگزار گردیده است . برگزاری موفقانه این کنفرانس ، به ابتکار کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و حضور فرستاده آن ، نه تنها پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان را به نحو جدی به پیش سوق داد ، بلکه سطح اتحاد جنبش کمونیستی (م ل م) در منطقه را نیز ارتقاء داده و می تواند سنگ بنای خوبی برای اتحاد بیشتر جنبش کمونیستی (م ل م) منطقه در آینده محسوب گردد .

در " قطعنامه کنفرانس مشترک احزاب و سازمان های (م ل م) افغانستان و ایران ... " آمده است که : جنبش کمونیستی افغانستان بخش تفکیک ناپذیری از جنبش بین المللی کمونیستی است . در این چوکات (م ل م) های افغانستان مکلف اند که پروسه وحدت آغاز شده میان نیروهای مختلف (م ل م) را بمتابیه وظیفه عمده مبارزاتی شان بخاطر ایجا یک حزب کمونیست واحد در کشور ، هرچه اصولی تر و شتابنده تر به پیش برند با اجرای موفقانه این وظیفه عمده مبارزاتی است که می توان در جهت اجرای هرچه درست تر و اصولی تر وظیفه اساسی مبارزاتی که همانا تدارک ، برپایی و پیشبرد جنگ خلق است و در شرایط فعلی شکل مشخص مقاومت مردمی و انقلابی ضد تجاوز امپریالیستی را بخود می گیرد ، به پیش گام برداشت .

علاوه از " قطعنامه کنفرانس مشترک احزاب و سازمان های (م ل م) افغانستان و ایران ... " مشمولین پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان ، تا حال پنج اعلامیه مشترک انتشار داده اند که عبارت اند از :

- اعلامیه مشترک مورخ 29 عقرب 1380 در مورد آغاز پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان .

- اعلامیه مشترک مورخ اول قوس 1380 در مورد جلسه بن ، تحت عنوان " تجمع خائنین ملی نوکر امپریالیسم در زیر بال و پر امپریالیست ها را محکوم کنیم "

- اعلامیه مشترک مورخ اول جدي 1381 ، درمورد پروسه وحدت جنبش کمونیستی ... " تحت عنوان " با تعمیق و تسریع هرچه اصولی تر پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان، برای اجرای فعالانه وظایف مبارزاتی مان آماده شویم .
- اعلامیه مشترک اول ماه می 2003 (11 ثور 1382) تحت عنوان " به پیشواوزروز جهانی کارگران " :

کمیته مشترک مشمولین پروسه وحدت جنبش کمونیستی افغانستان ، بعد از به انجام رساندن هرچه اصولی تر و سریع تر وظیفه تدوین و ترتیب مسوده های جدید برنامه و اساسنامه مشترک حزبی و ارائه مجموعه آنها به جنبش کمونیستی برای نظرخواهی وسیع تر ، بصورت " کمیته تدارک برای تدویر کنگره وحدت " درمی آید و وظیفه تدارک برای تدویر کنگره وحدت در عین حالیکه باید یک وظیفه کوتاه مدت باشد و خود بمثابة یک مرحله طولانی دیگر در نیابد ، باید بصورتی پیش برده شود که باعث تنزیل معیارهای شرکت در کنگره نگردیده و کیفیت آنرا پائین نیآورد .

از طریق به فرجام رساندن هرچه اصولی تر و سریع تر پروسه وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان و تامین وحدت این جنبش در یک حزب کمونیست واحد است که ما می توانیم برای اجرای فعالانه وظایف مبارزاتی مان آماده شویم . دامن زدن به گرایشات سکتاریستی و در غلطیدن به خرده کاری ها ، تحت هربهانه و عنوانی که صورت گیرد در آخرین تحلیل فقط و فقط می تواند اجرای فعالانه وظیفه مبارزاتی ضد تجاوز امپریالیستی و رژیم دست نشانده توسط آنان را خدشه دار سازد . برپایی و پیشبرد مقاومت انقلابی و مردمی ضد تجاوز و اشغالگری امپریالیستی و رژیم دست نشانده ، که در شرایط کنونی کشور شکل مشخص جنگ خلق است ، نه تنها وظیفه اساسی مبارزاتی بلکه وظیفه عاجل و اضطراری مبارزاتی نیز هست . این وظیفه در بعد بین المللی خود که همانا برپایی یک قطب رزمنده انقلابی بین المللی نیرومند و فعال علیه کارزار جهانی امپریالیست های به سرمداری امپریالیست های امریکایی ، تحت رهبری جنبش بین المللی کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائونیستی) است . نیز یک امر عاجل و اضطراری محسوب می گردد . برین مبنا به فرجام رساندن هرچه اصولی تر و سریع تر پروسه وحدت جاری یعنی تشکیل حزب کمونیست واحد نیز وظیفه ای است عاجل و اضطراری که انجام آن هرچه زودتر طلب می شود در شرایط که کشور تحت اشغال و توده ها زیر بمباران قرار دارند ، دیر جنبیدن می تواند ترجمه مشخصی از جنبیدن باشد . پس باید وقت را دریابیم و مبارزات مان را شدت و سرعت بخشیم و هرچه زودتر برای برپایی و پیشبرد مقاومت انقلابی و مردمی آماده شویم .

یک سال پس از اشغال افغانستان

برگرفته از مجله جهانی برای فتح شماره 29 :

امپریالیزم آمریکا افغانستان را در پاییز 2001 بمثابة اولین بخش از جنگی که تحت نام " جنگ علیه تروریزم " آغاز کرد اشغال کرد ... از اکتبر 2001 هواپیماهای انگلیسی و امریکایی بیش از 100 هزارتن بمب را بر افغانستان افکنده اند و چند هزار نفر از مردم غیر نظامی را قتل عام کرده اند ... با کاشتن تخم ترس و وحشت در میان مردم ، آمریکا تلاش دارد تا با تحمیل رژیم دست نشانده خود پایه ای برقراری اشغال میان مدت تا درازمدت کشور و منطقه را تامین کند .

امپریالیزم آمریکا مدت طولانی است که خواهان افزایش نفوذ خود در منطقه آسیای میانه و بدست آوردن کنترل مخازن نفت و گاز طبیعی آن منطقه و همچنین گشودن راهی برای جریان نفت آنجا به بازار جهانی از طریق افغانستان باثبات بوده است .

اما ثبات سیاسی در افغانستان بنظر نمی رسد که از طریق بکاربردن نیروی زور بیشتر امکان پذیر باشد اعمال تروریستی مکرر آمریکا و متحدینش تنها موفق به مخالفت بیشتر و بیشتر مردم علیه آنها شده است . آخرین راه حل ساخته و پرداخته آمریکا یعنی زندگی تحت اشغال یک نیروی بیگانه که تاریخ افغانستان با آن بارها روبرو بوده است فقر روزمره و ستم نیمه فیودالی ای که زندگی را برای مردم افغانستان و بخصوص زنان تبدیل به جهنمی کرده تغییر نداد بلکه از جهاتی آنرا تقویت هم کرده است .

لویه جرگه رژیم بنیاد گرا را تقویت می کند :

واقعیت اینست که رژیم بنیادگرای افراطی طالبان توسط رژیم بنیادگرای دیگری جایگزین شده است . قدرت سیاسی " جدید " سازشی است میان نیروهای اسلامی (جهادی) گوناگون که علیه روس می جنگیدند و بدنبال بیرون کشیدن نیروهایش در اوایل 1990 دولت اسلامی افغانستان را برقرار کردند . یک سلسله قوانین طالمانه اسلامی که شریعت نامیده می شود را به مثابه قوانین کشور تحمیل کردند حالا همان نیروهای سیاسی جزء مهمی از رژیم جدید را تشکیل می دهند . آقای کرزی ، شخصیت مورد علاقه غرب که آمریکا بمثابه رئیس حکومت جدید برگزید ، موقعیت بهتری ندارد . او نه تنها با همان دولت اسلامی قبل از طالبان همکاری کرد ، بلکه او همچنین در به قدرت رسیدن طالبان سهم داشت و آنها را با پول و اسلحه غربی حمایت می کرد طالبان او را برای پست سخنگوی بین المللی در نظر گرفته بودند کرزی چند سال در ایالات متحده زندگی کرد و بمثابه مشاور شرکت نفتی یونوکال خدمت کرد .

بعد از لویه جرگه اضطراری در ماه جون 2002 (شورای فنودالی از روسای قبایل) در ترکیب قدرت سیاسی مختصر تغییری حاصل شد اما نه در جهت تضعیف بنیاد گرایی بلکه بیشتر در جهت تقویت آن ... سپس کارزاری علیه سکولاریزم و حتی علیه آزادی های محدود زنان توسط چهره های قدرتمند دولت ، براه انداخته شد .

سایه سنگین امپریالیزم آمریکا بر لویه جرگه افکنده شده بود . زلمی خلیل زاد مشاور بوش در امور افغانستان ، در پشت پرده فعال بود فرماندهان منفور ، ردیف جلوی مجلس را اشغال کرده بودند و پشت سر آنها پرازمیان مرتجعشان بود امپریالیست های آمریکایی بدنبال ائتلاف وسیعی با طبقه فئودال زمین دار که در جنگ سالاران بنیاد گرا تبلور می یابند ، می باشند تا آنها را به سرمایه داران بوروکرات تبدیل نمایند تایید آمریکا از دیکتاتوری مذهبی جدید با این آگاهی کامل انجام شده است که بنیادگرایی با خشونت هرچه بیشتری عقب مانده ترین سنت های جامعه را اعمال می کند . و این بنوبه خود مناسبات نیمه فئودال نیمه مستعمره را تقویت می کند .

60 فیصد از جمعیت افغانستان را زنان تشکیل می دهند . اما شرکت آنها در لویه جرگه تنها نقشی سمبولیک داشت . یک گروه 15 نفره از زنان (با یک فیصد از نمایندگان) که بدقت انتخاب شده و مورد تایید مقامات بودند گزارش های مبنی بر اینکه همین زنان در حین لویه جرگه مورد تهدید و آزار جنسی قرار گرفتند وجود داشت .

قوانین اسلامی و ستم بر زنان :

... وقتی که بنیادگرایان در دولت جدید ، بار اول در اوایل سالهای 90 به قدرت رسیدند ، آنها زنان را از کارهای دولتی و زندگی سیاسی کشور بیرون کردند و بسیاری از نورم های غیر قابل تحمل

سمتی ، چون ازدواج های ترتیب داده شده را تحمیل کردند . آنها همچنین حجاب (پوشش اسلامی) را اجباری ساختند ، زنانی را که کار می کردند مورد تهدید قرار دادند و تحصیل پسران و دختران را از هم جدا کردند . در سال 1994 دیوان عالی دولت اسلامی افغانستان حکمی را بنام " حکم حجاب زنان " را صادر کرد که به موجب آن از زنان می خواست در بیرون خانه خود را کاملاً با برقع بپوشانند . نیروهای ائتلاف شمال تجاوزگروهی سیستماتیک به زنان ملیت های دیگر را به پیش می برند و به همین دلیل مردم به شدت از آنها وحشت و عمیقاً نفرت دارند .

امروز زنان اجازه کار دارند ، به شرط آنکه شغلی برای شان پیدا بشود و یا جرئت آنرا داشته باشند که در مقابل تهدیدات و عواقب آن ایستادگی کنند . اگرچه تنها تعداد معدودی از زنان ماهر در شفاخانه ها و یا مکاتب شهرهای بزرگ قادر به یافتن شغلی هستند . اما برای اکثریت زنان هیچ چیز تغییر نیافته است و حتی دورنمای تاریک تری را در پیش رو دارند ... دختران در آنجا های که برای شان مقدور است باشوروشوق فراوان به مکاتب بازگشته اند ، اما در بسیاری مناطق آنها با تهدید سوزاندن مکاتب روبرو شده اند چندین مدرسه دخترانه در چند ماه گذشته به آتش کشیده شده است .

دولت نه تنها اقدامی را برای محدود کردن این نوع حرکت ها انجام نداده است بلکه با اقدامات زن ستیزانه شان عملاً آنها را تشویق می کند . حکومت جدید تنها چند روز پس از گرفتن قدرت ، حکم حجاب برای زنان در محل کار را صادر کرد . امروز حتی رسانه های غربی نمی توانند این واقعیت را که چگونه ستم بر زنان رسماً توسط حکومت نهادینه می شود را انکار کنند . از بسیاری جهات حتی همان کار طالبان را ادامه می دهند . مجله آمریکایی نیوزویک داستان زن زندانی را انعکاس می دهد که چگونه در زمان طالبان به اشتباه و تنها بر مبنای شهادت شوهر سابقش به زنا متهم شده است و حالا تحت دولت جدید محاکمه و به زندان محکوم شده است . در منطقه هرات زنان از رفتن به پارک و پوشیدن لباس های رنگی درملاء عام محروم شدند . درحالیکه آمریکا به گونه فریب کارانه ادعای آزادی زنان را دارد ، آن دستاوری که با گذاردن یک دولت دست نشانده به قدرت بوجود آمده است حتی به گرد برابری جنسی از نقطه نظر بورژوا دموکراتیک هم نمی رسد . طنز قضیه اینجاست که شرایط زنان شهری افغانستان امروز عقب مانده تر از سالهای 1980 و قبل از آن است یعنی زمانی که 40 فیصد داکترها و 50 فیصد دانشجویان کابل را زنان تشکیل می دادند .

ثبات ، امنیت و بهبود برای چه کسانی ؟

یکی از اهداف اصلی امپریالیست ها در افغانستان بدست آوردن " ثبات " بوده است ، اما بگونه ای که آنها ثبات را معنی کرده اند اینست که افغانستان را محلی امن برای نقشه های استراتژیک شان در منطقه و مسیر امنی برای پایپ های نفتی و گاز طبیعی از آسیای میانه کنند یک سال بعد از اعلام پیروزی از جانب آمریکا در افغانستان ، اوضاع به هر چیزی نزدیک باشد به ثبات نزدیک نیست ... غیر قابل اتکاء بودن فرماندهان و روسای منطقه ای به نقش تاریخی آنها در دفاع از این و یا آن نیروی استعماری در بازی بزرگ " بر می گردد ... به روشنی یک منشاء بی ثباتی ... اینست که در دوده گذشته مرتجعین گوناگون در افغانستان و در درون حکومت از نظر سیاسی پیوسته تغییر جهت داده است . واقعیت این است که عدم امنیت و فقر مفرط توده ها در اوضاع کنونی توسط تخصصات قدرت های بزرگ بر سر نفوذ در آسیای میانه تکامل یافته است و نه توسط جنگ سالاران و یا کشورهای کوچکتر منطقه ، که تنها مهره های کوچکی در خدمت به تخصصات امپریالیستی بوده اند .

اشغال عراق و اهداف سلطه جویانه امپریالیسم آمریکا

کارزار تجاوزگرانه و اشغالگرانه امپریالیست های آمریکایی و همدستان شان علیه خلق ها و ملل تحت ستم جهان ادامه دارد . آنها بعد از تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور ، سه کشور دیگر تحت سلطه ، یعنی عراق ، ایران و کوریای شمالی را بمتابه اهداف بعدی تجاوزات و اشغالگری های شان اعلام کرده بودند .

شامگاه 20 مارچ بعد از تدارکات جنگی چند ماهه و گردآوری قوای جنگی چند صد هزار نفری مجهز به مدرن ترین سلاح های زمینی و بحری و هوایی امپریالیست های آمریکایی و همدستان انگلیسی و ... آنها ، یورش تجاوزگرانه شان را به عراق آغاز کردند . تجاوزگران امپریالیست توانستند بعد از پیشبرد جنگ فوق العاده خونین و ویران کن چند هفته ای ، رژیم صدام حسین را سرنگون کرده و عراق را اشغال نمایند .

اما سرنگونی رژیم صدام حسین به مفهوم پایان یافتن مقاومت علیه تجاوزگران و اشغالگران امپریالیست آمریکایی و شرکاء نبوده و نیست . توده ها در اشکال مختلف مسلحانه و غیر مسلحانه ، کماکان به مقاومت ادامه می دهند و اشغالگران را به سزای اعمال شان می رسانند و خود نیز فداکارانه قربانی های عظیمی را پذیرا می شوند . حمله امپریالیست های آمریکایی و متحدین شان در عراق یک تهاجم رسوا و بی پرده تجاوزگرانه و اشغالگرانه امپریالیستی بوده و هست . این تجاوزگری رسوا حتی نتوانست از نقش فریبنده باصطلاح سازمان ملل متحد برای پوشاندن خود استفاده نمایند و قادر نگردید که تمامی امپریالیست ها را به حمایت از خود وادار سازد اما مهمتر از آن مبارزات میلیون ها نفر از توده های مردم در خود کشورهای امپریالیستی و همچنان کشورهای تحت سلطه ، قبل از جنگ و در جریان تهاجم برعراق ، بود که ماهیت تجاوزگرانه ، اشغالگرانه و امپریالیستی این جنگ را کاملاً افشاء و برملاء نمود . سلسله این مبارزات هرچند با فرازونشیب و پیچ و خم ، همچنان ادامه دارد .

بهانه های که برای حمله برعراق توسط امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی مطرح گردیده اند ، آنچنان سخیف و بی پایه اند که فقط می توانند سزاوار خنده و تمسخر باشند . آنها گفتند که دولت عراق سلاح های کشتار جمعی دارد و با این سلاح ها دنیا را مورد تهدید قرار می دهد اما این سلاح ها را نه تنها مفتشین " سازمان ملل متحد " بعد از چندین سال جستجو و جب به وجب عراق پیدا نتوانستند ، بلکه قوای اشغالگر نیز بعد از سپری شدن چند ماه از اشغال عراق ، از یافتن چنین سلاح های عاجز مانده اند و اقعیت اینست که حتی اگر دولت عراق سلاح های کشتار جمعی در اختیار می داشت نیز نمی توانست دنیا و بطور مشخص امپریالیست های آمریکایی را مورد تهدید قرار دهد چرا که امپریالیست های آمریکایی از لحاظ داشتن سلاح های کشتار جمعی آنچنان دارای برتری استراتژیک در دنیا هستند که حتی میراث خوار ابرقدرت فروپاشیده " شوروی " سابق یعنی امپریالیسم روسیه در مقایسه با این نیروی کوچکی بحساب می آید ، چه رسد به دولت کوچکی مثل عراق . واقعیت عریان تر از آنست که بزرگترین دارنده سلاح های کشتار جمعی یعنی امپریالیسم ایالات متحده ، خود بزرگترین تهدید بالقوه ویا بالفعل علیه دنیا بحساب می آید و حق اینست که خلق های جهان ، و در قدم اول خلق خود آمریکا ، با مبارزات شان این دیو خون خوار و دشمن بشریت را به سزای اعمالش برسانند . واقعیت دیگر اینست که مقداری سلاح های کیمیاوی توسط خود امپریالیست ها قبلاً در اختیار رژیم صدام حسین قرار گرفته بود ، اما این سلاح ها علیه توده های عراقی و همسایگان عراق مورد استفاده قرار گرفت و این استفاده در موقتش مورد حمایت امپریالیست های آمریکایی بود ، چرا که به همین خاطر در اختیار رژیم حاکم بر عراق

قرار گرفته بود . بقایای این سلاح ها حتی اگر در اختیار رژیم صدام حسین نیز باقی می ماند نمی توانست تهدیدی علیه امپریالیست های آمریکایی محسوب گردد .

آنها ضرورت تغییر رژیم ، سرنگونی استبداد صدام و آوردن دموکراسی برای مردم عراق را به میان کشیدند . واضح است که رژیم صدام حسین بمثابة يك رژیم ارتجاعی وابسته به امپریالیزم ، محصول سیاست ها و عملکرد های خود آنان و کل نظام شان بود . این رژیم سال های سال هم در سیاست های داخلی سرکوبگرانه علیه توده های عراقی وهم در سیاست های ماجراجویانه جنگی علیه همسایگان عراق ، مورد حمایت امپریالیست های آمریکایی قرار داشت . حمله بر ایران با موافقه امپریالیست های آمریکایی صورت گرفت و حتی در حمله بر کویت به نحوی رضائیت آمریکایی ها دخیل بود آمریکایی ها سال های سال سیاست های سرکوب گرانه رژیم صدام حسین علیه توده های عرب و کرد عراقی را یا صریحا تائیدکردند و یا به دیده اغماض نگرستند . امپریالیست های آمریکایی و همدستان آنها ، تجاوز شان برعراق را جنگ آزادی عراق نام گذاری کردند و هدف آنها اعطای دموکراسی به مردم عراق قلمداد نمودند . این ها درقدم اول حقوق دموکراتیک مردمان کشورهای خود شان را در رابطه با این جنگ تجاوزگرانه نفی کردند و مخالفت وسیع آنها با این جنگ را نادیده گرفتند . هیچ قدرتی نمی تواند از طریق نفی حقوق دموکراتیک مردمان کشور خود ، دموکراسی را برای مردمان کشور دیگری به ارمغان آورد ، آنها از طریق تهاجم و تجاوز نظامی و کشتار بیدریغ توده ها و ویران سازی آن کشور . واقعیت این است که کارزار تجاوزگرانه براه افتاده توسط امپریالیست های آمریکایی و شرکاء نه تنها ضد دموکراتیک ترین کارزار علیه خلق ها و ملل تحت ستم جهان است ، بلکه ماهیت و عملکرد ضد دموکراتیک آن علیه حقوق دموکراتیک توده های آمریکایی و توده های سایر کشورهای امپریالیستی نیز کاملا رسوا و افشاء است . بزرگترین تروریست های جهان – امپریالیست های آمریکایی و شرکاء – تحت نام مبارزه علیه تروریزم به دهشت افگنی عظیمی در دنیا مبادرت ورزیده اند ، آنها يك شخصیت محصول سیاست های خود شان (اسامه بن لادن) را ویک دارودسته ساخته و پرداخته خود شان (القاعده) را آنچنان قدرت و قوت جادویی بخشیده اند که در همه جا حاضراند و در هر حالتی آماده برای نابودی و از میان بردن آنها . آنها این قدرت و قوت جادویی را نه تنها در پشت پناهی طالبان ، بلکه عملیات یازده سپتامبر و در همکاری با رژیم صدام حسین و درهرجای دیگری که لازم ببینند ، حاضر و ناظر می سازند تا تحت این بهانه به تهاجم و تجاوز و مداخلات امپریالیستی بپردازند واقعیت این است که حضور این قوت و قدرت " جادویی " صرفا در پشت پناهی از رژیم طالبان يك امر تثبیت شده و روشن بود و این همان موردی بود که با حمایت های مستقیم و غیر مستقیم خود امپریالیست های آمریکایی و پشتیبانی های بیدریغ وابستگی منظفوی آنها بعمل آمده بود . درموارد دیگری منجمله در عملیات یازده سپتامبر و در همکاری با رژیم صدام حسین حضور و دخالت اسامه بن لادن و القاعده قبل ازآنکه يك واقعیت تثبیت شده باشد يك افسانه سازی عمدی از سوی امپریالیست های آمریکایی و شرکاء است تا گویا برای پیشبرد کارزار تجاوزگرانه آنها بهانه و پوشش فراهم گردد .

جالب اینجاست که امپریالیست های آمریکایی درعین حالیکه برای پیشبرد کارزارتجاوزگرانه و اشغالگرانه شان به بهانه های واهی متوسل می گردند ، ثبات و اهداف واقعی شان را نیز پنهان نمی نمایند . آنها آشکارا از درس آموزی های دوران امپراطوری روم باستان ، برای تحکیم سلطه شان برجهان صحبت بعمل می آورند . درین درس آموزی ، نقش برجسته و درجه اول قوت های نظامی برای تصرف سرزمین های دورونزدیک ، حفظ و بقاء ، گسترش امپراطوری ، کاملا آشکارو عیان است . امپریالیست های آمریکایی ازینکه در آخرین دهه قرن بیست از موقعیت شان بمثابة یگانه ابرقدرت جهان و دارای قوت عظیم نظامی بی رقیب در دنیا، به اندازه کافی برای

تحکیم و گسترش امپراطوری شان در جهان از طریق اشغال مناطق حساس و استراتژیک ، کوشش بعمل نیاوردند ، پشیمان به نظر می رسند اینک آنها تصمیم گرفته اند که این " کم کاری " را جبران نمایند . آنها از " شرق میانه بزرگ آمریکا " صحبت بعمل می آورند که کل شمال آفریقا، شرق میانه و آسیای میانه را در بر می گیرد کنترل بر این منطقه بزرگ به مفهوم کنترل بر بیشتر از دوسوم منابع نفت و گاز جهان است . امپریالیست های آمریکایی این رویا را در سر می پروراندند که با برقراری کنترل مستقیم شان بر این منطقه استراتژیک ، نه تنها سلطه شان بر خلق ها و ملل تحت ستم را پایدار سازند ، بلکه سایر قدرت های امپریالیستی را نیز جبرا وادار سازند که به رهبریت بلامنزاع شان گردن نهند و سرازطاعت نیچند به این خاطر است که آنها در حمله بر عراق ، نه تنها خواست اکثریت عظیم مردمان جهان ، بلکه خواست اکثریت دولت های ارتجاعی و قدرت های امپریالیستی مخالف را نیز نادیده گرفتند و با زیر پا گذاشتن تمامی قوانین و قواعد بین المللی ای که ادعای پذیرش شان را داشتند و دارند ، بالای عراق حمله کردند و باز به همین خاطر است که بلافاصله بعد از اشغال عراق و حتی در جریان جنگ علیه رژیم صدام حسین ، سوریه و ایران مورد تهدید قرار می گیرند و فشار بالای آنها بصورت پیهم افزایش می یابد .

حمله امپریالیست های آمریکایی و همدستان شان بر عراق و اشغال این کشور توسط آنها ، تمامی تضاد های اصلی جهانی را بیشتر از پیش حدت بخشیده است . تضاد عمده جهانی یعنی تضاد خلق ها و ملل تحت ستم با امپریالیست ها بیشتر از پیش حدت یافته است . جهان عرب ، شرق میانه و آسیای میانه ، تمرکز گاه این تضاد محسوب می گردد و احتمال قوی وجود دارد که آسیای جنوبی نیز شامل این مناطق گردد تضاد میان خلق ها (پرولتاریا و متحدینش) و امپریالیست ها در خودکشور های امپریالیستی نیز شدت کسب کرده است . مبارزات ضد گلوبالیزاسیون و ضد تجاوزگری ها و اشغالگری های امپریالیستی درین کشورها با فراز و نشیب پیش می رود و در فراز های خود میلیون ها توده مبارز و حتی ده ها میلیون توده را در بر می گیرد ولی دیگر از یک جنبش مبارزاتی توده بی زودگذر فراتر رفته و خصلت پایدار و مستمر را بخود گرفته است . تضاد میان قدرت های امپریالیستی مختلف نیز رو به تشدید است . مخالفت امپریالیست های فرانسوی ، آلمانی و روسی یکجا با مخالفت مرتجعین چینی و سایر مرتجعین در " سازمان ملل متحد " باعث گردید که امپریالیست های آمریکایی و همدستان شان نتوانستند از این سازمان برای تجاوزاتشان بر عراق " مجوز قانونی " بگیرند . یقینا مخالفت این قدرت های امپریالیستی با امپریالیست های آمریکایی ، ماهیت امپریالیستی و نیات تجاوزکارانه آنها را تغییر نمی دهد . اما موقعی که قدرت های امپریالیستی بنا به تشدید تضاد میان شان می توانند متحدانه عمل نمایند روزنه های بهتری برای پیشبرد مبارزات توده ها فراهم می گردد .

در چنین جوی است که مقاومت توده های عراقی علیه امپریالیست های اشغالگر ادامه دارد بطور مشخص امپریالیست های آمریکایی به دلیل حمایت های بیدریغ و مستدام شان از صهیونیست های دولت غاصب و اشغالگر اسرائیل ، نه تنها در خود عراق بلکه در سراسر " جهان عرب " به شدت مورد نفرت توده ها قرار دارند شدت این نفرت هیچگاه کمتر از نفرت علیه صهیونیست های اسرائیلی نبوده است و اکنون که امپریالیست های آمریکایی در سرزمین عراق بمتابه اشغالگران امپریالیست حضور غاصبانه دارند بیشتر از پیش بالا گرفته است . این نفرت عمیق و وسیع توده ها می تواند - و باید - زمینه ساز یک درس آموزی دیگر از نوع درس آموزی از ویتنام ، برای امپریالیست های آمریکایی و همدستان شان باشد .

مسئله اینست که ما خود بمتابه قربانیان تجاوز و اشغالگری امپریالیست های آمریکایی و شرکاء وظیفه داریم آن چنان آتش عظیمی زیر پای اشغالگران امپریالیست بر پاکنیم که نه تنها افغانستان

خود به جهنم سوزانی برای آنها مبدل گردد بلکه شعله های آن ، مبارزات توده ها در عراق و در هر جای دیگری از جهان را گرما دهنده و نوید بخش باشد .

نشانی جهانی برای فتح :

A WORLD TO WIN 27 OLD GLOUCESTER ST
LONDON, WCIN 3XX UK

نشانی وب سایت جهانی برای فتح در روی صفحه اینترنت :

WWW.AWTW.ORG

عراق پس از اشغال جنگ

از سرویس خبری جهانی برای فتح :

مطالب ذیل گزیده ای است از مقاله " عراق بعد از اشغال جنگ " که در سرویس خبری جهانی برای فتح بتاريخ 16 جون آمده است . این مقاله به جنگ مقاومتی که از جانب توده های عراقی در برابر اشغالگران آمریکایی بر پا شده است ، اشاره می کند و نشان می دهد که جنگ در عراق علیرغم ادعاهای امپریالیست های امریکایی نه تنها پایان نیافته است بلکه وارد فاز جدیدی گردیده است و رویاهای اشغالگران را برای کنترل آرام عراق در هم ریخته است - شعله جاوید .

16 جون 2003 سرویس خبری جهانی برای فتح هفته گذشته شاهد حملات و ضد حملات بزرگی بوده ایم که در آن هزاران نفر از نیروهای آمریکایی علیه گروه های کوچک چریکی عراقی و حامیان غیر نظامی آنها شرکت کردند در برخی از این موارد نیروهای اشغالگر بسختی مورد ضربت قرار گرفته اند در موارد دیگری تعداد زیادی از سربازان و هواپیماهای آمریکایی بصورت گسترده و کاملتری برای مهار کردن مقاومت عراقیان به تلاش دست زدند .

مقامات آمریکایی از انتشار اطلاعات مربوط به حملات روزمره به نیروهای شان امتناع می ورزند . روزنامه گاردین لندن گزارش می دهد که نیروهای آمریکایی روزانه ده دوازده بار مورد هدف شلیک تیر بار و یا نارنجک قرار می گیرند آمریکایی ها گزارش داده اند که از تاریخ اول ماه می روزی که بوش اعلام کرد که جنگ اصلی تمام شده است تا 12 جون 45 آمریکایی و 100 عراقی کشته شده اند .

در حدود 4000 نفر از نیروهای آمریکایی برای يك عملیات طولانی مدت در فلوجا از زمانیکه سربازان آمریکایی حد اقل 18 نفر از تظاهرکنندگان را در دو واقعه در 28 و 30 اپریل کشتند ، به مرکز مقاومت تبدیل شده است . این سربازان برای تقویت و کمک به 6000 نیرویی است که قبلا در این شهر مستقر بودند و دائما مورد حمله قرار می گرفتند در يك دوره 10 روزه در اواخر می و اوایل جون ، 8 سرباز آمریکایی در آنجا کشته شده و تعداد بسیار بیشتری مجروح شدند . برخی از آنها در اثر شلیک تفنگ و حملات راکتی آر پی جی کشته شدند و برخی در عملیات های بلند پروازانه ای مثل حمله به يك ستون نظامی در رودخانه فرات در 27 می ، سه گروه از نیروهای ویژه آمریکایی در حالیکه در روز 15 جون تحت پوشش هوایی قبل از طلوع آفتاب وارد این شهر

200 هزار نفره می شدند از فراز ساختمان ها و خیابان ها مورد حمله قرار گرفتند . ساکنین محله نزدیک شدن نیروهای آمریکایی را با سوت و نور علامت می دادند . نیروهای آمریکایی قادر نبوده اند که عملیات های مخفی انجام دهند چرا که ساکنین محله سیستمی را ترتیب داده اند که از پنجره ها و پشت بام ها اوضاع را زیر نظر می گیرند و با روشن و خاموش کردن چراغ های خانه های شان علامت می دهند تا رزمندگان بدانند که آمریکایی ها دقیقا کجايند .

به تلافی این کار ، اشغالگران در تمام شب تا صبح روز بعد خانه به خانه به درها کوبیدند و مردم را از رختخواب های شان بیرون آورد و سپس خانواده ها را با دستها بر سرشان از خانه های شان بیرون کشیده و همراه خود بردند . خبرگزاری های خارجی گزارش دادند که زنان و مردان فلوجا بیش از هر زمان دیگر در تنب جنگ با اشغالگران می سوزند پدري که دوتا از پسرانش دستگیر شده بودند در حالیکه چشمانش پر از اشک بود می گفت " حتی صدام هرگز باما چنین نکرد "

تقریبا در همان زمان حدود همان تعداد از نیروهای آمریکایی يك عملیات سه روزه را در شبه جزیره ای که توسط انحنای رود دجله بوسعت 50 کیلومتر ، شکل یافته ، درست در شمال بغداد آغاز کردند در این منطقه در چند هفته گذشته گز مه های آمریکایی بطور مکرر ، شبانه مورد حمله قرار گرفته بودند موترهای نظامی و قایق های گز مه رودخانه در حالیکه توسط طیارات و هلیکوپتر های جنگی حمایت می شدند ، به طرف شهرهای دولوبا و بالاد نزدیک شدند دوتانک در جاده ای بطرف بالاد به کمین انداخته شد آنگونه که گفته شد نیروی بزرگی از شورشیان ابتدا يك ماین زمینی را منفجر کردند و بعد با آر پی جی راکت باران کردند . در جنگی که تا امروز یعنی 11 جون هنوز ادامه دارد مقامات آمریکایی گفتند ، که تا بحال 4 عراقی کشته و 4 آمریکایی مجروح شدند در اوج حمله آمریکایی ها در جاده بغداد - بالاد با يك کمین دیگر مواجه شدند که يك لاری آمریکایی به آتش کشیده شد يك هلی کوپتر آمریکایی در حال خالی کردن مجروحین آمریکایی دیده شده است . نیروهای آمریکایی در این منطقه یعنی جایی که همچون فلوجا هر عراقی يك دشمن بالقوه محسوب می شود ، 400 نفر را بعنوان مظنون به " خرابکاری " بازداشت کردند . آمریکایی ها می گویند که چند هزار نفر زندانی عراقی را قبل از تعرضات اخیر ، نگاه داشته اند ساکنین محلی به خبرنگاران گفتند که (جي اي) ها زنان و بچه ها را دست بند زده و يك مرد را تا مرگ زدند و باعث شدند که مرد دیگری از حمله قلبی بمیرد ، چرا که اجازه ندادند تا زن و دخترش که در حال تماشای صحنه بودند ، دواهای او را بدهند آنها دهان زنش را با چسپ بسته بودند که نتواند اعتراض کند .

در سومین قسمت از این حملات ، نیروهای آمریکایی با هلی کوپتر و موترهای نظامی هومویس و برادلی به شهرهای کوچک غرب بغداد هجوم بردند . جاي که (جي اي) ها مکررا مورد حمله قرار می گرفتند در این عملیات نیز مانند دو عملیات دیگر هدف تلاشی خانه ها و گرفتن زندانی بود اینجا نیز خانواده های آنهايي که به بیرون کشیده شده بودند شکایت کردند که این حرکات مثل ویا بدتر از زمان حکومت صدام بوده است . يك معلم مکتب به خبرنگار آسوشیتد پرس گفت که " مقاومت افزایش خواهد یافت ، رفتار این چینی با ساکنین تروریزم است " .

چند روز قبل تر یعنی 12 جون ، ارتش آمریکا به محلی در 150 کیلومتری شمال غربی بغداد حمله کرد که آنرا کمپی برای آموزش نظامی می نامید این تعرض از نوع دیگری بود و تمرکزش را بر بمب افگندن و کشتار بیشتر هرچه تعداد از مردم گذاشته بود و نه دستگیر کردن آنها .

بعد از جنگ های شدید وقتی که ظاهر آمریکایی ها تصور می کردند که در نبرد پیروز شده اند چريك ها برای پایین کشیدن يك هلی کوپتر آپاچا ظاهر شدند . این اولین باری است که ارتش آمریکا پذیرفته که یکی از هلی کوپترهایش به پایین کشیده شده است . گرچه گزارشات مبنی بر سقوط طیارات وجود داشته است . آمریکایی ها گفتند که در این نبرد 71 عراقی کشته شدند .

در جاهای دیگر ، در جنوب غرب عراق يك جت جنگنده ، سقوط کرد فرمانده مرکزی آمریکا دلیل این سقوط را " عوامل نامفهوم " اعلام کرد .

13 جون دوسلسله انفجارات حریق غیر قابل کنترلی را بر لوله ها نفتی در ماهول در شمال عراق برپا کرد نقشه های اشغالگران برای از سرگیری صادرات نفت عراق ، به منظور تقویت انحصارات تاراجگر آمریکایی ، توسط ترکیبی از ناپدید شدن وسایل ویا خرابکاری ها و ادامه جنگ عقیم مانده است .

در 11 جون 2 سرباز آمریکایی در یکی از نقاط بازرسی بغداد کشته شدند . وقتی که یکی از مسافران ناگهان بیرون آمده و با آر پی جی به طرف سربازان شلیک کرد و قایع شبیه به آن در پایتخت در اوایل ماه صورت گرفت .

12 جون موصل در کردستان ، شمال عراق ، شاهد درگیری بین صد ها نفر از سربازان ارتش سابق عراق که خواهان پرداخت حقوق خود بودند ، با پلیس تحت کنترل آمریکا بود . نیروهای آمریکایی به سرعت فراخوانده شدند . آژانس فرانس پرن از قول شاهدان عینی گزارش داد که سه تظاهر کننده کشته شدند و بیش از 150 نفر دستگیر شدند در حالیکه هلی کوپترهای د ربالای سر می چرخیدند . جمعیت خشمگین يك وسیله نقلیه نظامی آمریکا را به آتش کشید و بخشی از يك ساختمان اداری را سوزاند .

در بصره جنوب عراق ، در يك تظاهرات 10 هزار نفری در 15 جون مردم خواهان بیرون رفتن نیروهای انگلیسی که آن منطقه را اشغال کرده اند از عراق شدند .

سرکرده دولت اشغالی پل برمر اعلام کرده است که آمریکا " تجمع " سخنرانی و یا نشراتی را که به بی نظمی و خشونت علیه نیروهای اشغالگران اعلام کرده است که مساجد زیر نظر خواهند بود کارمندان برمرقوانین سانسور آمریکایی مطبوعات عراقی را ترسیم کردند . این افسانه که آمریکایی ها به مثابه نیروی " رهایی بخش " آمده اند بیش از اندازه رنگ و روی باخته است . آنها آمدند با این وعده که به مردم غذا، دارو و آزادی بدهند در عوض آنها به مردم گلوله ، زندان و ظلم و کشوری ویران دادند .

نیروهای آمریکا 74 نفر را که آنها را هواداران القاعده معرفی کردند در نزدیک کرکوک در شمال گرفته اند . برخی گزارشات خبری این اتهام را مورد سوال قرار دادند سرانجام مقامات آمریکا پذیرفتند که اشتباه کرده اند ، اما این افراد آزاد نشدند .

امریکا بطوریکه در یکی از مقالات نیویورک تایمز آمده است از " مبارزین عربی که برای کشتن نیروهای آمریکایی مرتبا به عراق می آیند " شکایت دارد . جالب اینجاست که این مقاله ارتش آمریکا را بمثابه نیروی که در حال پیشبرد " جنگ ضد شورشی " است ، یاد می کند و از روبرو بودن با يك " تابستان داغ و طولانی " خبر می دهد .

خبرنگاری بنام مایکل گردون در مقاله ای در 14 جون نوشت : " بعد از اینکه تانکهای ام 1 آمریکایی برای بیرون راندن صدام حسین به بغداد وارد شدند ، یکی از مسایل مرکزی نظامی این بود که اضلاع متحده آمریکا در دور بعدی ممکن است در کجا بجنگد آیا نیروهای آمریکایی ممکن است مارش شان را به درون سوریه ادامه دهند ویا اینکه کابینه بوش فشار نظامی به ایران را افزایش خواهد داد ؟ اینك 2 ماه بعد از نبرد بغداد جواب روشن است : دور بعدی جنگ در عراق است .

ظاهرا مقامات آمریکایی در حال آماده کردن افکار عمومی مردم آمریکا برای يك اشغال طولانی و سخت می باشند يك فرمانده ارشد ارتش آمریکا دیوید مک کبیرتان گفت : " من نمی توانم بشما بگویم که تا دوماه دیگر ویا يك سال دیگر اینجا کشوری کاملا ایمن و امن خواهد بود آنچه که من می توانم بشما بگویم اینست که ما به ادامه حضور ارتش آمریکا ، تا جایی که لازم باشد ادامه خواهیم داد " را مرفلد دريك کنفرانس مطبوعاتی در 10 جون هشدار داد که جنگ " در ماه آینده ویا دوسه

ماه آینده " یا حتی وقتی که " دو یاسه بخش از نیروهای ائتلافی به این کشور بیایند " متوقف نخواهد شد (با وارد شدن این دو بخش تعداد نیروهای اشغالگر تقریباً دوبرابر خواهد شد) چندین گزارش مبنی بر پایین بودن روحیه نیروهای آمریکایی موجود است . دوتا از هرسه بریگاد بخش پیاده نظام ارتش سوم که قرار بود در ماه می برگردد در عوض به بغداد و فلوجا فرستاده شدند و انتظار می رود که فعلاً در آنجا بمانند 16 جون يك فرستاده نیویورک تایمز گزارش داد که سربازان بریگاد یکم در بغداد از جنگ به تنگ آمده و وحشت زده شده اند با کابوس کشتارهایی که مرتکب شده و یا باعث آن شده اند و یا متحمل شده اند ، خسته و عصبانی و بطور روز افزونی غیر عادی و افسرده بنظر می رسند و روحیه شان بشدت کاهش یافته است .

نقشه آمریکا برای حمله به دیگر کشورها بعد از تجاوز به عراق با موانع غیر منتظره ای برخورد کرده است . عراق هنوز مهار نشده است . تقریباً نیمی از ارتش فعال آمریکا در عراق در کنار تعداد زیادی مارین میخکوب شده اند . آنهایی که در تابوت ها به کشورشان باز نمی گردند به این زودی ها از آنجا نمی توانند تکان بخورند .

موج نوین انقلابی جهانی در حال ظهور است !

اول مه 2003

پرولتراهاي که دارای آگاهی طبقاتی هستند و توده های انقلابی اول ماه مه امسال را تحت شرایط استثنائی جشن می گیرند . در سراسر جهان مردم از تجاوز حیوان صفتانه امپریالیست ها به عراق ، خشمگین بوده و مصممند که بر سر آن تسویه حساب کنند . مقاومت مردم عراق در روزهای اول تجاوز آمریکا نشان داد که آنان خواهان مقاومت و مقابله با امپریالیست ها هستند و درمقیاس جهانی ، جنبشی که میلیون ها تن را در بر می گرفت توفان آسا صحنه را اشغال کرد اما فروپاشی ناگهانی رژیم صدام یکبار دیگر نشان داد که دست زدن به يك مبارزه مؤثر علیه امپریالیسم تحت رهبری طبقات ارتجاعی امکان ناپذیر است . متحد کردن مردم و رهبری آنان در مبارزه انقلابی علیه امپریالیست ها و طبقات ارتجاعی حاکم در هر کشور، فقط و فقط و طیفه بزرگ پرولتاریا می باشد .

فقط پرولتاریای بین المللی طبقه ای است که در مقیاس جهانی درست در نقطه مقابل امپریالیست ها قرار گرفته است و تنها طبقه ای است که منافعش در نابودی کامل نظام امپریالیستی ، رهایی کامل کلیه ملل ، و آفرینش جامعه بدون طبقات و استثمار یعنی يك جامعه کمونیستی است . بلندگویان دشمن شبانه روز و برای سالیان دراز کار کرده اند تا این رسالت و هدف را غیر ممکن و رویایی خطرناک قلمداد کنند اما این رویا ، رویائی است که پایه در شرایط مادی پرولتاریای بین المللی ، پایه در کار تعاونی این طبقه ، پایه در شرایط استثمار آن و مبارزه مشترك این طبقه جهانی دارد . این رویایی است که بطور مداوم از سد های بزرگ دروغ و تحریف رد می شود و خود رانشان می دهد و شور و شوق و حسن جهت مندی و هدفمندی تولید می کند خطرناکترین فریب این فکر بی نهایت عجیب است که گویا می توان بدون ریشه کن کردن سرمایه درای مشکلات بشریت را حل کرد . سرمایه داری يك نظام اجتماعی است که موتور محرکش استثمار انسان توسط انسان است . انواع و اقسام ستم و نابرابری را تولید می کند ، زندگی میلیون ها انسان را در جنگ های ناعادلانه و سرکوبگرانه و غارتگرانه اش قربانی می کند . چنین نظامی را هرگز نمی توان اصلاح کرد .

کسانی که از این نظام بین المللی انگلی فایده می برند و نگهبان آن هستند هرگز به منطق گوش فرا نخواهند داد و هرگز در مقابل اراده و خواست مردم جهان حتی و قتی که این خواست و اراده به شکلی قدرتمند و شفاف بیان شده باشد، سرفرود نمی آورند. نزد امپریالیست ها کلماتی مانند " قانون بین المللی " ، " دموکراسی " ، " توافق شهروندان " ، " آزادی " چه زمانی که با بلاغت کلام از دهان تونی بلر (نخست وزیر انگلستان) بیرون بیاید یا بصورت عرعرازدهان جورج بوش خارج شود ، یا حتی وقتی که به فرانسه و آلمانی ترجمه شود ، هیچ نیستند مگر تزئیناتی برای پنهان کردن واقعیت عریان .

امپریالیست ها و مرتجعین يك اقلیت کوچک هستند و تنها به زور ارتش ها و نیروهای پلیسی و امنیتی ، و سلاح های کشتار جمعی شان می توانند سلطه خود را بر کره زمین نگاه دارند . جنگ عراق یکبار دیگر حرف حقیقی مائوتسه دون را اثبات کرد . " قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید "

امپریالیست ها در ظاهر خیلی قوی بنظر می رسند اما آنها در نهایت ضعیف هستند چرا ؟ زیرا استثمار و ستم بی عدالتی و تجاوز پیشه آنان است . این مسئله آنها را منفور مردم سراسر جهان می کند . حتی مردم کشورهای خود شان از آنان نفرت دارند .

علم و ایدئولوژی کمونیسم یعنی مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم قدرت زیادی دارد . زیرا می تواند جهان را بطور صحیح تحلیل کند . اما فقط این نیست . مهمتر از آن ، ایدئولوژی و علمی است که منطبق بر منافع اکثریت بشریت است . زمانی که پرولتاریا و ستمدیدگان این علم و ایدئولوژی را درک کنند و به آن مجهز شوند آنگاه تبدیل به يك نیروی مادی می شود که می تواند جهان را دگرگون کند . ما بار دیگر شعارمان را تکرار می کنیم که " به هیمالیا بنگرید که جهان بهتری در زایش است " . در آنجا میلیون ها زحمتکش سلاح برکف برخاسته اند و برای اکثریت مردم قدرت سیاسی را کسب کرده اند جنگ خلق ، گام به گام نیپال را دگرگون کرده و این کشور عقب مانده را به يك نمونه درخشان از آینده پرولتاریا و ستمدیدگان تمام کشورهای جهان ، تبدیل می کند و در پرو ، ترکیه ، هند ، فیلیپین و نقاط دیگر انقلابیون مائوئیست مصممانه پرچم جنگ خلق را برافراشته نگاه داشته اند .

تجاوز امپریالیسم آمریکا به عراق تمام چارچوب سیاسی و اجتماعی خاورمیانه را لرزاند است . مطمئنا در ماه ها و سال های آینده خاورمیانه شاهد مبارزه طبقاتی حادی خواهد بود . آنچه در حال حاضر کمبود است حضور قدرتمند جنبش کمونیستی اصیل در بسیاری از کشورهای منطقه است . آسیای جنوبی یکی از مراکز توفان آسای انقلاب پرولتاری است . صدها میلیون نفر در هند ، پاکستان ، سری لانکا و بنگلادش زیر ستم و استثمار امپریالیستی و نیمه فیودالی در فقر و فلاکت عظیمی بسر می برند برخلاف بسیاری از نقاط دیگر جهان که انرژی انقلابی توده های مردم هیچ راه خروج مثبتی پیدا نمی کند در این خطه حضور احزاب مائوئیست اصیل راه را برای يك آلترناتیو واقعا انقلابی باز می کند .

در اروپا ، آمریکای شمالی ، جاپان و اقیانوسیه امکان پیش روی های بزرگ برای مبارزه طبقاتی در حال افزایش است . جنبش قدرتمندی که علیه تجاوز آمریکا به عراق بره افتاد بازتاب گوشه ای از نارضایتی مردم کشورهای امپریالیستی نسبت به سلطه سرمایه داران انحصاری بر جهان است . در آفریقا ، بیماری و سوء تغذیه ضربات محکمی بر مردم وارد می آورد . رژیم های مستبد ریز و درشت که به نیابت از سوي اربابان امپریالیست در کشورهای آفریقا حکومت می کنند ضعیف هستند زودخورد و حتی جنگ این کشورها را یکی پس از دیگری در بر می گیرد امروز این جنگ ها برای حق غارت و چپاول است و قربانیان آن توده های مردمند . اما این شرایط

نشان دهنده آنست که امکان يك نوع جنگ كاملا متفاوت يعني جنگ رهايي بخش در اين كشورها در حال پخته شدن است .

امپرياليزم آمريكا هميشه آمريكاي لاتين را " حياط خلوت " خود مي دانسته است نتايج سلطه نو استعماري آمريكا بر اين كشورها ، برزندگي اقتصادي اين كشورها ، و تحميل سياست هاي صندوق بين المللي پول بر اين كشورها ، كاملا واضح است و همه مي توانند آنها را ببينند در كشور ارجنتاين كه زماني يكي از ثروت مند ترين كشورهاي اين منطقه بود نتيجه اش را ديده ايم . بحران هاي شديد تر و جابجايي ميليون ها نفر در سراسر اين قاره در چشم انداز است .

اينهايند دلايل ظهور يك موج نوين انقلاب در سراسر كره زمين . مردم جهان خواهان يك دنياي متفاوت اند و روز به روز بر عزم شان افزوده مي شود كه براي ايجاد چنين جهاني جنگند . اين مسئله ايجاد احزاب ماركسيست - لينينيست - مائونيست را هرچه عاجل تر و حياتي تر مي كند . در هر جا كه چنين حزبي موجود نيست بايد آنها را بوجود آورد هر جا كه موجود اند آنها را تقويت كرد تاوظايف انقلابي شان را انجام دهند و اين احزاب بايد دريك انترناسيونال كمونيستي نوين متحد شوند جنبش انقلابي انترناسيوناليستي (ريم) يك گام تعيين كننده درجهت ايجاد اين انترناسيونال است .

نبرد هاي چند ماهه گذشته تنها طلايه هاي آن توفاني است كه در راه است . امپرياليست هاي آمريكايي مجبورند قمار ديوانه وارشان را كه بازسازي جهان از طريق خشونت و عميق تر فرو كردن جنگال هاي شان بر گرده مردم جهان است ، ادامه دهند . اما مردم هيچ كشوري چنين آينده اي را تحمل نخواهند كرد و برخاستن توفان مقاومت اجتناب ناپذير است . امپرياليست ها هرچقدر هم كه قوي باشند ، قدرت ما را كه در شمار ميلياردي ما نهفته است ندارند ، قدرت ما بطور بالقوه بسيار عظيم تر از قدرت آنهاست . تفرعن دشمن طبقاتي هرگز نمي تواند اين واقعيت را بپوشاند كه آنها مستاصلايه براي دفاع از نظام پوسيده شان مي جنگند جاي نظام آنان همانند نظام باستاني امپراطوري هاي برده داري و نظام هاي فيودالي در موزيم هاست . برحست مبارزه بيفزايند و براي نبرد هاي بسيار بزرگتر كه از هم اكنون در افق پيدااست آماده شويد .

به ضديت و مقابله با جنگ امپرياليزم آمريكا عليه جهان برخيزيد و آنها را درهم شكند !

به هيمااليا بنگريد كه جهان بهتري در زايش است !

احزاب پيشاهنگ مائونيست متحد در جنبش انقلابي انترناسيوناليستي را ايجاد و تقويت كنيد !

كميته جنبش انقلابي انترناسيوناليستي !

به پيشواز روز جهاني كارگران !

باز هم اول مي ، روز جهاني كارگران فرا مي رسد در شرايطي كه كارزار تهجمي تجاوزكارانه و اشغالگرانه امپرياليستي به سردمداري امپرياليزم آمريكا از يك جانب و مبارزات و سيع و پردامنه توده يي عليه اين كارزار ددمنشانه در سراسر جهان از جانب ديگر ، اوضاع واحوال جهاني را رقم مي زند ، جنبش بين المللي كارگران بايد هرچه شكوه مند تر و رزمنده تر برگزار گردد .

اوضاع جهان بحران زده و توفاني است " نظم نوين جهاني " مورد خواست امپرياليست هاي آمريكايي بمثابه يك بي نظمي بزرگ جهاني ترجمه شده است . اين " نظم نوين جهاني " كه گويا

قرار بود صحنه آرای يك جهان عاري از جنگ ها و کشمکش ها باشد ، در طی بیشتر از يك دهه، زمینه ساز يك كارزار جنگي سبعانه و خونین جهانی امپریالیستی گردیده است . امپریالیزم آمریکا بعنوان یگانه ابرقدرت امپریالیستی جهان در تلاش جنون آمیز برای حفظ ، تحکیم و گسترش سلطه اش در جهان دیوانه وار بازي با آتش را ادامه مي دهد و بر وسعت و دامنه این بازي هردم مي افزاید به عراق نگاه کنید که چگونه با بهانه هاي واهي به خاک و خون کشیده مي شود تا گلوي تشنه بخون اشغالگران سیراب گردد نمونه افغانستان بس نبود و نمونه عراق نیز کافی نخواهد بود فیل سرمست تهاجم ، تجاوز و اشغالگری ، یانکی سر برداشته و بي مهابا و غرش کنان به هر طرف یورش مي برد و تازمانیکه با خرطوم بریده و پاهای پی شده به زمین انداخته نشود ازین سرمستی نخواهد افتاد .

توده هاي جهان علیه این بدمستی ایستاده اند و بیشتر و بیشتر و باعمق و غنای هردم فزون تر به این ایستادگی ادامه خواهند داد خلق ها و ملل تحت ستم که آماج عمده این کارزار سرکوبگرانه خونین قرار دارند و کارگران و سایر اقشار تحتانی درکشورهاي امپریالیستی که بیشتر و بیشتر تحت فشار قرار مي گیرند یکجا و درکنار هم درین ایستادگی و مقاومت سهم دارند وسعت این صف بندی مبارزاتی ازجاده ها و سرك ها لندن ، نیویارک ، لاس آنجلس ، پاریس و برلین گرفته تا خیابان ها و کوچه هاي قاهره ، الجزیره ، عمان ، کراچی ، داکه و سنگرهای نبرد نپال ، نپال ، پرو ، ترکیه و فیلیپین را در بر مي گیرد این صف بندی روشن گردیده است ، آنچنانکه نمی توان ادعای مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع را داشت و در بیرون ازین صفبندی مبارزاتی ایستاد .

اما جنبش مبارزاتی توده هاي جهان ، منشور روشن و رهبري انقلابی آگاه مي خواهد تا به سرمنزل مقصود برسد برای تحقق عملی این مامول باید آگاهانه و پیگیرانه مبارزه کرد ما زمینه ها ، موادومصالح لازم برای پیشبرد این مبارزه را در اختیار داریم . جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و سایر نیروهاي مائوئیست جهان نمونه ها و مثال هاي عملی موجود هم داریم . فقط کافی است به کوه هاي هیمالیا و جهان نوینی که در آنجا در حال قد برافراشتن است نگاه کنید!

مادرافغانستان ، علیرغم سختی ها و مشکلات ، در تلاشیم تا برای برپایی و پیشبرد مقاومت انقلابی و مردمی علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان عملا آماده شویم . این يك شعار و حرف نیست ، بلکه زمینه هاي عینی و ذهنی نیرومندی برای تحقق آن وجود دارد .

اشغالگران و دست نشانندگان شان نتوانسته اند در طی بیشتر از يك و نیم سال گذشته ، درجهت فایق آمدن بر بحران موجود درکشور موفقیتی داشته باشند و اکنون که مرکز توجه ازافغانستان به عراق منتقل گردیده است، امکان موفقیت شان بیشتر از پیش ضعیف به نظر مي رسد بازسازی اقتصادی افغانستان يك مضحکه رسوا است . دولت سازی يك افسانه ملوک الطوائفی ، تامین امنیت نام مستعار تاخت و تاز آزادانه باند هاي دزدان ، رهزنان ، قاچاقبران و بالاتراز آن دست باز اشغالگران درقتل و کشتارتوده ها و دموکراسی آزادی عمل ده ها و صد ها باند مسلح ارتجاعی برای سرکوبی توده ها بخش هاي بزرگی از توده هاي مردم ناراضی اند و این ناراضی عمق و گسترش روز افزونی مي یابد و اشکال مبارزاتی فعال تری بخود مي گیرد .

مائوئیست هاي افغانستان برای پالایش برنامه ها و متودهاي مبارزاتی شان و برای تامین وحدت کل جنبش مائوئیستی در يك حزب کمونیست واحد به سختی مبارزه مي نمایند . این مبارزه علیرغم فرازونشیب هایش موفقانه به پیش مي رود توفیق هرچه زودتر و اصولی تر این مبارزه به مفهوم آمادگی هرچه زودتر و اصولی تر برای برپایی و پیشبرد مقاومت انقلابی و مردمی علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان بمثابة شکل مشخص کنونی جنگ خلق درافغانستان است .

فقط به این صورت است که قربانی هاي بي همتای توده هاي مردم در مقاومت علیه امپریالیست هاي آمریکایی و متحدین و دست نشانندگان شان به هدر نخواهد رفت . فقط به این صورت است که

راهزنان بیرون رانده شده از دروازه ، با لباس و پوشش جدیدی از راه پنجره دوباره بخانه تالان شده برنخواهند گشت . فقط به این صورت است که سرنوشت توده ها به دست خود شان تعیین خواهد شد و مقدرات کشور به دست مردمان آن خواهد افتاد به پیش درین مسیر انقلابی و مردمی !

زنده باد اول ماه می روز جهانی کارگران !
 زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری !
 مرگ بر امپریالیزم و ارتجاع !
 مرگ بر تجاوز و اشغالگری امپریالیستی !
 " اتحاد انقلابی کارگران افغانستان "
 " سازمان پیکار برای نجات افغانستان "
 " حزب کمونیست افغانستان "

اول ماه می 2003 (11 ثور 1382)

**شعله جاوید را بخوانید و در
 میان مردم پخش کنید !**

پیشروی های جنگ خلق در نیپال و مداخلات امپریالیزم آمریکا

جنگ خلق در نیپال که در فبروری 1996 تحت رهبری حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) آغاز شد ، توانسته است در این مدت دست آورد های عظیمی بدست آورد در این مدت آتش جنگ خلق در سراسر نیپال شعله افکنده و توانسته است که پشتیبانی بی دریغ توده های وسیع مردم ، بویژه توده های ستمدیده و زحمتکش را از آن خود کند .

دولت نیپال که نتوانست با حملات وحشیانه و انواع توطئه ها و ضرب و شتم توده ها مانع پیشروی جنگ خلق شود در 29 جنوری 2003 اعلام آتش بس نمود و به دنبال آن حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) نیز بیانیه ای صادر کرد و فراخوان آتش بس نمود . ح ك ن (م) ضمن حفظ هشیاری در مقابل توطئه های ارتجاع ، از خلق نیپال خواست که برای کنفرانسی متشکل از همه احزاب سیاسی ، تشکیل دولت مؤقت و انتخابات برای تشکیل مجلس مؤسسان مبارزه کنند .

اما مرتجعین نیپال و اربابان امپریالیست شان در همین اعلام آتش بس صادق نبوده و در آن خرابکاری می کنند و در تلاشند تا در اولین فرصتی که احساس کردند اوضاع بنفع شان است ، آنرا نقض کنند و یا بهم بزینند در اعتراض به این سنگ اندازی ها طبق گزارش آژانس فرانس پرس ده هزار نفر از دانشجویان ، گروه های زنان و اتحادیه های صنفی در کتمندو به تظاهرات برخاستند و عبور و مرور را در قلب پایتخت متوقف ساختند تا علیه مرتجعین داخلی و امپریالیزم آمریکا که به توطئه های خود ادامه می دهند اعتراض کنند و نقشه های پلید آنها را افشاء نمایند .

امپریالیست های آمریکایی که بشدت از اوضاع نگرانند ، اخیرا مداخلات آشکار خود را در نیپال و بخصوص علیه جنگ خلق افزایش داده اند . این دخالت ها در اظهارات دیپلماتها و مقامات آمریکایی روشنتر می شود در ماه مارچ دونالد کمپ مقام عالیرتبه وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که تحولات (نیپال) می تواند مناطق وسیع تری را بی ثبات کند و در ادامه گفت که

" نیپال می تواند سقوط کند و به بهشتی بالقوه برای تروریست ها تبدیل شود چیزی شبیه آنچه که در افغانستان بود . " (به نقل از سرویس خبری جهانی برای فتح)

این بهانه ای بود که آمریکا برای تجاوز به افغانستان بکار برد و نیز برای عراق از آن استفاده کرد اینک امپریالیست ها در تلاشند تا زمینه ها را برای اشغال و تجاوزگری در نیپال آماده کنند آمریکا نه تنها در عرصه سیاسی بلکه همچنین با کمک های مالی اقتصادی و نظامی این موضع سیاسی را تقویت می کند آمریکا یک کمک 70 میلیون دلاری را که 14 میلیون دالر آن برای سلاح و آموزش نظامی در نظر گرفته شده است به نیپال اختصاص داد و علنا اعلام کرد که یکی از اهداف این کمک ها جلوگیری از پیروزی مائونیست ها در نیپال است . آنها رسماً اعلام کرده اند که : نتیجه آتش بس هر چه باشد ، ما از دولت حمایت می کنیم تا کنترل خود را حفظ نماید و از مردم نیپال حمایت کند . البته برکسی پوشیده نیست که حمایت دولت نیپال از مردم همان چور و چپاول و ستمی است که برتوده ها روا می دارد .

آمریکا مصمم است که نگذارد که خلق نیپال سرنوشت خود را بدست گیرد بلکه مرتجعینی که مناسبات عقب مانده نیمه فئودال - نیمه مستعمره را نمایندگی می کنند و قومیت آنرا به دست مرتجعین خارجی و داخلی می سپرند بر خلق حکومت کند .

دولت آمریکا در یک اقدام ضد مردمی و مرتجعانه دیگر خود در ماه می حزب کمونیست نیپال (مائونیست) را در لیست سازمان های تروریست خود قرارداد .

این درحالی است که توده های خلق هر روز پشتیبانی خود را از ارتش رهایی بخش و نیروی رهبری کننده آن یعنی حزب کمونیست نیپال (مائونیست) افزایش می دهند و دولت ارتجاعي را در چارچوب مراکز نظامی و دولتی و شهرهای بزرگ محدود کرده اند .

این درحالیست که سیستم ارتجاعي حاکم در نیپال که امپریالیزم آمریکا از آن بی پروا حمایت می کند سیستم ارتجاعي است که مردم نیپال را پیوسته مورد مورد رعب و وحشت قرار می دهد . آنها را شکنجه کرده زنان را مورد تجاوز قرار می دهد . خانه های شان را به آتش کشانده و حدود 6000 نفر از بهترین دختران و پسران خلق نیپال را در این 7 سال به شهادت رسانده است .

همه این مسایل نشانه وحشت تروریست های واقعی یعنی امپریالیزم آمریکا و نوکرانشان از به قدرت رسیدن خلق است . این امر نشان می دهد که نیروهای انقلابی چه از طریق جنگ خلق و چه از طریق مبارزات سیاسی عرصه را بر مرتجعین تنگ کرده اند و آنها مذبحخانه دست و پایی می زنند و اقیبت اینست که پیروزی قدرت مردمی در نیپال نزدیک تر از هر زمان دیگر خودنمایی می کند .

(تایپ مجدد توسط " حبیب ")